

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا. م. شیری

۲۰ فبروری ۲۰۱۹

نگاهی به توطئه‌های مستمر امریکا در ونزویلا

دونالد ترمپ که به رغم سه میلیون رأی کمتر از رقیب انتخاباتی خود - هیلری کلینتن - از سوی هیأت حاکمه امریکا (دولت در سایه) به مقام ریاست جمهوری امپراتوری ایالات متحده گمارده شد، در دوره به اصطلاح کارزار انتخاباتی بر این نکته تأکید داشت که "امریکا بعد از این دولت هیچ کشوری را ساقط نخواهد کرد" ... و زمانی که همین معنی را عینا در مراسم تحلیف خود نیز تکرار کرد، خیل غربگرایان کج اندیش و دلدادگان دموکراسی امریکانی با شور و شوق وصفناپذیر فریادها برآوردند: "مژدگانی که گربه تانب شد" ... (۱) و با تشدید "کار" و تبلیغات خود به شرح و بسط تغییر ماهیت و خصلت امپریالیسم دست زدند. اما مدت زیادی طول نکشید، که گماشته دولت در سایه اوج وقاحت خود و اربابانش را به طور عیان نشان داد و آب بسیار ناپاکی به دست دوستداران خونخوارترین امپراتوری تاریخ ریخت.

ترمپ با اظهارات عوامفریبانه و با تخلفات بعدی از وعده خود به چهار واقعیت اذعان کرد: نخست این که رژیم امریکا تا کنون دولتهای زیادی را ساقط کرده است؛ دوم، امپریالیسم پدیده‌ای نیست که ماهیت و خصلت آن قابل تغییر باشد، مگر با نابودی آن؛ سوم، نشان داد که امپریالیسم نمی‌تواند به هیچ اصول و موازین انسانی و بین‌المللی پایبند باشد. حتی به منشور ملل متحد که خود یکی از مؤسسان آن بوده؛ چهارم، اظهارات او چیزی نیست جز تکرار دروغگوئی‌ها و حقه‌بازی‌های مکرر همه اسلاف خود و در کل تاریخ بشری!

ترمپ پس از نقل مکان به کاخ سفید، اظهارات عوامفریبانه انتخاباتی خود را به کلی فراموش کرد و با بی‌اعتنائی کامل به همه ارزشهای انسانی، حق حاکمیت ملی کشورها و تمامی موازین و مقررات بین‌المللی مصرحه در منشور ملل متحد، قبل از همه، جمهوری دموکراتیک خلق کوریا و کل جمعیت آن را به پاک کردن از صفحه زمین تهدید نمود و از رهبر این کشور خواست "به خلق و کشور خود رحم کند". اما وقتی که سببه را پر زور دید، پس از چند بار پشتک - واروهای ابلهانه، به دیدار رهبر جمهوری دموکراتیک خلق کوریا در سنگاپور رفت.

پس از مشت مهلك جمهوری دموکراتیک خلق کوریا بر دهان یاهوگویان دولت در سایه، ترمپ ایران را مورد تهدید قرار داد و با لغو یکجانبه "برجام" در بهار سال گذشته، سخت‌ترین تحریمها علیه میهن ما را اعلام و هدف نهائی خود را "تغییر رژیم ایران" اعلام نمود.

ترمپ سردمدار فعلی خونخوارترین امپراتوری تاریخ در ارتباط با جنگ امپریالیستی به ضد سوریه نیز اوج وقاحت خود را نشان داد. رژیم امریکا که از ۸ سال پیش جنگ استعماری علیه سوریه را با همدستی نوچه‌های منطقه‌ئی و اروپائی‌اش به دست بخشی‌هائی از نیروهای ناتو و تروریستهای دست‌آموز خود آغاز کرد و در تمام این مدت نیروهای امریکائی تحت بهانه مبارزه با تروریسم، بخشهای وسیعی از خاک سوریه را به اشغال درآورد و به طور مستمر قطعات ارتش، شهروندان غیرنظامی و زیرساختهای سوریه را هدف بمباران‌های جنون‌آمیز خود قرار داد، شهر رقه سوریه و موصل را در عراق به طور کامل ویران نمود، ناگهان ترمپ ادعا کرد امریکا بر داعش پیروز شده، بنا براین، نیروهای امریکائی را بزودی از سوریه خارج می‌کند. اما ساعاتی طول نکشید تف سربالای خود را قورت داد و اراجیفی مانند "از سوریه خارج نمی‌شویم؛ طی زمان‌بندی خارج می‌شویم؛ اگر از سوریه خارج بشویم به معنای پیروزی روسیه و ایران خواهد بود" و اراجیف بسیاری از این قبیل بر زبان راند.

اظهارات و اقدامات ترمپ در رابطه با ونزوئلا نیز نه تازگی دارد و نه یک نمونه منحصر به فرد است. تاریخ نزدیک هنوز فراموش نکرده است که سلف او، بارک اوباما با شعار "ما تغییر می‌دهیم"، "ما می‌توانیم" به کاخ سفید آمد و وعده کرد در نخستین اقدام، پایگاه گوانتانامو را خواهد بست و به جنگ افغانستان پایان خواهد داد. اما در مدت ۸ سال حضور در رأس دولت رژیم تروریستی امریکا نه پایگاه گوانتانامو را تعطیل کرد و نه این که به جنگ افغانستان خاتمه نداد، حتی ۳۰ هزار نظامی دیگر به کشور بی‌دفاع افغانستان اعزام کرد.

تلاش امپراتوری امریکا به انجام کودتای دوم علیه کشور مستقل ونزوئلا در ۲۶ جنوری و به رسمیت شناختن خوان گویانو (۲) به عنوان رئیس جمهور این کشور، یکی دیگر از این حقه‌بازی‌های تاریخی -خصلتی امپراتوری جهل و جنایت بود. رژیم امریکا به موازات مداخلات مستمر در امور داخلی ونزوئلا، در سال ۲۰۰۲ نیز به کودتای ضد دولتی در این کشور بولیواری دست زد، اما، در اثر هشیاری و پایداری خلق و ارتش ونزوئلا و مقاومت دلیرانه فرمانده هوگو چاوز پوزه عموسام به خاک مالیده شد.

دست زدن به کودتا، اقدام به تحریم، محاصره اقتصادی و تحمیل گرسنگی و مجازات عمومی، قتل‌عام و نسل‌کشی ملتها و خلقها، برافروختن آتش جنگهای خانمانسوز توسط کشورهای قوی علیه کشورهای کوچک و عقب نگه‌داشته شده به مثابه مصداق روشن جنایت علیه بشریت، تعیین حاکم و فرماندار برای مستعمرات به درازای تاریخ تقسیم جوامع انسانی به طبقات فرادست و فرودست قدمت دارد و همه از خصلت و ماهیت نظامهای حاکم در ممالک مسلط، به ویژه رژیمهای امپریالیستی ناشی می‌شود که بر اساس یک سناریوی واحد، اما به اشکال مختلف و متفاوت به اجرا درمی‌آید. همان سناریوی تاریخی استعماری -امپریالیستی که طی سی سال اخیر در کلیه کشورهای اروپای شرقی، در یوگسلاوی، لیبیا، سوریه و شماری از جمهوریهای سابقا متحد شوروی مانند اوکراین، گرجستان، مولداوی به روی صحنه آمد.

این روش از آغاز دوره استعمار از سوی کشورهای استعمارگر به خشن‌ترین شکل به اجرا عگذاشته شد و با دگرگونی ظاهری و تبدیل آن به استعمارنو به حد اعلاى خود رسید، که تا کنون ادامه دارد. تاریخ ایران قحطی

بزرگ سالهای ۱۲۹۶-۱۲۹۸ را بروشنی به یاد دارد. در طی همین سالها رژیم انگلستان با مصادره گسترده غلات و مواد غذایی ایران برای تغذیه حیوانات دو پای خود، ممانعت از وارد کردن مواد غذایی و عدم پرداخت درآمدهای نفتی کشور ما باعث مرگ تقریباً نیمی از جمعیت ایران گردید.

در تاریخ نزدیکتر، فاشیسم المان در جنگ جهانی دوم کل اروپا و بخش‌های گسترده‌ای از دیگر قاره‌های جهان را به ویرانه بدل نمود و موجب کشتار دهها میلیون انسان گردید. فاشیسم سرمایه‌داری به دنبال ویران کردن و اشغال هر کشور، برای آن فرماندار تعیین می‌کرد. مثلاً، پس از اشغال پولند، المان فاشیستی آن کشور را فرمانداری پنجم خود اعلام نمود و در سال ۱۹۳۹ هانس فرانک را به فرمانداری آن گمارد. با اقدام دیگر، شهر لنینگراد اتحاد شوروی را از زمین و و بحر و هوا هدف حملات خود قرار داد، آن را به مدت ۸۷۲ محاصره کرد. به طوری که بیش از نیمی از جمعیت این شهر را فقط با ایجاد قحطی مواد غذایی به کام مرگ فرستاد.

امپریالیسم امریکا نیز از ابتدای وجود به این روش جنایت علیه بشریت وفادار بوده و در تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق نیز آن را ثابت کرد. رژیم‌های آنگلساکسونی بعد از اشغال عراق و ساقط کردن دولت قانونی آن، ابتداء پل بریمر و سپس، یک افغان [خانن به خلق افغانستان و جهان] به نام زلمی خلیل‌زاد را به عنوان حاکم عراق اشغالی منصوب کردند و امروز نیز کوشش می‌کند خوان گوایدو را به عنوان حاکم ونزوئلا تعیین نماید.

همچنین، عراق سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ نمونه مشابه قتل عام جمعیت ایران در تاریخ معاصر است. طی همین سالها در اثر تحریم و محاصره اقتصادی امریکا بیش از ۶۰۰ هزار کودک عراقی کشته شد. یمن امروز نیز به همین ترتیب، با هجوم و محاصره مالیخولیائی امپریالیسم امریکا دست به گریبان است. در نتیجه محاصره اقتصادی و حملات گسترده دیسنی‌لندهای امریکا به سرمداری عربستان سعودی دهها هزار کودک یمنی به شهادت رسیده، شمع وجود ۸۰ هزار کودک دیگر یمنی نیز در اثر سوءتغذیه و نبود دارو در حال خاموش شدن است.

اگر در دوره استعمار کهن ممالک استعمارگر مانند انگلستان، المان، اسپانیا، ایتالیا، بلجیم، پرتغال، فرانسه، هالند و غیره برای تسهیل و تشدید غارت مستعمرات، حاکمان و فرمانداران آنها را از میان شهروند خود می‌گماشتند، پس از شروع دوره مبارزات ضد استعماری و موفقیت‌های نسبی آنها، استعمارگران بناچار روش نوینی در پیش گرفته، حاکمان و فرمانداران مستعمرات را از میان سلفگان و خائنان همان سرزمین‌ها برمی‌گزیدند. به گونه‌ای که به تعبیر شهید خسرو گل‌سرخ، استعمار را به شکل "احمد آقای آجان" در آوردند.

امپراتوری امریکا برای انجام کودتای ضد دولتی در ونزوئلا و به آشوب کشیدن این کشور بولیواری، از یک سو این کشور مستقل را تحت تحریم و محاصره اقتصادی قرار می‌دهد، از سوی دیگر، در تلاش است با ارسال مجموعاً ۹ تریلی حامل "کمک‌های بشردوستان"، گویا کمبودهای تصنعی خلق ونزوئلا را تأمین نماید. در همین رابطه، کریستوف هارنیش، مسؤول صلیب سرخ در کلمبیا، ادعای ایالات متحده برای ارسال کمک‌های بشردوستانه به ونزوئلا را "دل‌لک‌بازی" نامید و اعلام کرد سازمان متبوعش در آن مشارکت نخواهد کرد. وی به‌صراحت اعلام کرد: "ما هیچ مداخله‌ای در آنچه ربطی به کمک‌های بشردوستانه ندارد، نخواهیم داشت" (۳). به اضافه این، نمونه‌های مشابه تاریخی نیز پشت پرده حقه‌بازی امپریالیسم امریکا را روشن می‌سازد: پائیز خونین سال ۱۹۵۶ هنگری را امریکا در سال ۱۹۴۹ طراحی کرد. در طی مدت هفت سال، به موازات مداخلات مستمر در این کشور، محموله‌های عظیم سلاح و مهمات جنگی را تحت پوشش "کمک‌های بشردوستانه" با صدها کامیون دارای

نشان و پرچم صلیب سرخ جهانی به این کشور وارد کرد و بالاخره، آن جنایت تاریخی هنگری را به نام خود ثبت نمود. در بهار سال ۱۹۶۸ در چکوسلاواکی نیز حادثه خونین موسوم به "بهار پراگ" را به همین ترتیب سازماندهی کرد.

البته، قصد یادداشت حاضر بر شماری و فهرست کردن تاریخ سرتاسر جنایت و خونخواری امپراتوری امریکا نیست. هدف از اشاره گذرا به برخی حوادث تاریخی فقط روشن کردن پاسخ مختصر این پرسش بود، که چرا امریکا به تهاجمات و مداخلات گسترده خود در سالهای اخیر شدت بخشیده و کف بر دهان بر کشورهای مختلف، از جمله، به ونزوئلا می‌تازد؟

واضح است که امپراتوری امریکا امروزه در بدترین شرایط اقتصادی - مالی قرار دارد. بدهی داخلی آن از مرز ۲۲ تریلیون دلار گذشته است. علاوه بر بدهی داخلی، تمام دالره‌های سرگردان در خارج از مرزهای ایالات متحده نیز بدهی خارجی آن کشور جعلی محسوب می‌شوند. با این حساب، پرداخت آن‌ها به طور کلی غیرممکن است. به سبب همین مشکلات اقتصادی - مالی غیرقابل حل، سیاست‌گزاران امپریالیسم امریکا به مثابه خشن‌ترین رژیم تروریستی تاریخ مجبور شده‌اند سیاست "از این ستون تا آن ستون فرجی" را اتخاذ نمایند. بنا بر این، گنجی متمادی سیاست‌گزاران امریکا، وعده‌های پوچ و نعره‌های مداخله‌گرانه آنها علیه ونزوئلا و هر کشور دیگر، از جمله ایران، جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، چین، سوریه، روسیه، یمن و غیره نه از موضع قدرت، بلکه، از موضع ضعف شدید است و ناشی از بیم فروپاشی امپراتوری. موقعیت جهانی امریکا بشدت آسیب دیده و دیگر قادر نیست با کاربست دکترین مونرو امریکای لاتین را به حیاط خلوت خود تبدیل نموده و اروپای نگران را همچنان به مثابه مستعمره امپراتوری حفظ نماید.

نکته مهم دیگری که در ارتباط با مداخلات جنون‌آمیز امپریالیسم امریکا و متحدانش در ونزوئلا و یا هر کشور دیگر باید همواره مد نظر قرار داده شود، این است که توأم با رد و تقبیح مداخلات امپریالیستی - استعماری، کمترین اشاره به ضعف‌ها، کمبودها و نواقص کشور مورد حمله، در واقع، به معنای توجیه مداخلات امپریالیسم و کند کردن نوک پیکان مقابله با امپریالیسم محسوب می‌شود. چه که همه مشکلات همین کشورها در وهله نخست، معلول یغماگریها و مداخلات مستمر امپریالیسم جهانی به سرمداری امریکا و حاکمیت طولانی سرمایه‌داری وابسته در آنها بوده، که خود آن نیز به تحلیل و بررسی جداگانه نیاز دارد. در چنین مواردی، جواب امپریالیسم جهانی به سرمداری امپراتوری امریکا فقط دو جمله مختصر و قاطع باید باشد: **یانکی گورت را گم کن! هیچ کس و هیچ قانونی نمی‌تواند تو را به عنوان قیم خلقهای جهان تعیین کند و نکرده است!**

با همه این اوصاف و با توجه به آسیب دیدگی شدید موقعیت جهانی امریکا و صف‌آرایی مجموعه کشورهای و نیروهای صلحدوست و مترقی جهان، موفقیت کودتای امریکا و متحدانش در ونزوئلا کاملاً بعید به نظر می‌رسد. همانطور که نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلای بولیواری نیز اقدام امریکا به کودتا در این کشور را بدرستی دیوانگی نامید و کودتای نظامی در این کشور را شکست‌خورده و تمام شده خواند (۴).

۳۰ بهمن - دلو ۱۳۹۷

۱ - اشاره است به حکایت "موش و گربه" عبید زاکانی:

<https://ganjoor.net/obeyd/moosh-gorbe/>

۲- سفرای ونزوئلا در ایران و روسیه در مصاحبه با رسانه‌های ایران و روسیه هر دو این موضوع را مورد تأکید قرار دادند که خوان گوایدو مأمور سازمان سیا است و دوره کارآموزی خود را در صربستان گذرانده است.

۳ و ۴- کانال تلگرامی "دستها ار ونزوئلا کوتاه":

<https://web.telegram.org/#/im?p=@Bolivari>